

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۰۵ اکتوبر ۲۰۲۱

بازی استخباراتی با روزنامه "۸ صبح" بود یا ادای دین؟!



دوشنبه- ۱۲ میزان ۱۴۰۰ - کابل: بعد از نشر به اصطلاح مصاحبه آقای "سهیل سنجر" به ارتباط فرار "غنی احمدزی" و باندش، بحث های متناقضی در رسانه ها به وجود آمد که در برخی از آنها گوشه هایی از واقعیت های جامعه ما نیز انعکاس یافته بود، در حالی که برخی دیگر، یا تصفیه حساب با "سنجر" بود و یا هم ابراز وجود نویسنده بدون آن که کمترین اطلاعی از آمادگی دخول در چنین بحث هایی داشته باشد. در اینجا من هم به نوبه خود به مثابه یک

تن از افرادی که همیشه روزم را با مطالعه آن روزنامه آغاز می نمودم، می خواهم نظراتم را در زمینه به اختصار بیان دارم:

۱- نخستین نکته ای که از نظر من در چنین بحث هائی می باید مورد توجه قرار گیرد، بررسی زمان به وجود آمدن نشریه، وظایفی را خودش به نمایندگی از حامیانش برای خود قرار می دهد، روابط متقابل نشریه با حاکمیت- به خصوص وقتی مطلب در مورد حاکمیت باشد-، داد و ستد فردی بین نشریه و حاکمیت و در نهایت سفید نمائی سیاهکاری های حاکمیت به وسیله نشریه.

وقتی به قضیه از منظری که در فوق طرح شده نظر اندازیم، دیده می شود که اولاً روزنامه "۸ صبح" با اشغال افغانستان به وسیله متجاوزان امریکائی و شرکاء، از طرف آن تعداد از شبه روشنفکرانی به وجود آمده بود که در اساس نه تنها مخالف اشغال نبودند، بلکه وظایفی را که پیش روی شان قرار داده شده بود و یا قرار داده بودند، تبلیغ دموکراسی غربی و نهادینه ساختن ارزش های غرب، من جمله دولت دست نشانده و پوشالی را به مثابه داروی شفابخش نجات مردم افغانستان عقیماندگی ها، جنگهای خونین و انارشیزم برخاسته از حاکمیت اسلام سیاسی به دیگران حقنه کردن بود. مسلم است که چنین نهاد هائی که به مثابه ضمیمه و متمم حاکمیت به وجود می آیند، نه تنها به سرخاب چهره کریه حاکمیت می پردازند، بلکه منطقاً دوام آنها نیز به دوام حاکمیت گره خورده است. وقتی مشخصاً مناسبات حاکمیت با "۸ صبح" مورد نظر باشد می بینیم که حاکمیت در ازای حمایت این نشریه، تعدادی از نخبگان و قلمزنان اولی آنها از سنخ، "اسپنآ، مرتضوی" و تعدادی دیگر را در خود جذب و ادای دین نموده است.

۲- به ارتباط گزارشی که آقای "سنجر" نشر نموده اند چون از نزدیک با آقای "سنجر" و میزان درایت و شناخت شان از تکنیک های استخباراتی- امنیتی اطلاع ندارم، نمی توانم در مورد انگیزه کارشان چیزی بنویسم، مگر به ارتباط گزارشی که تهیه نموده اند، هرگاه تا حال متوجه نشده باشند، باید من بعد بدانند که با تأسف استخبارات از ایشان استفاده ابزاری نموده، با به بازی گرفتن اعتبار نشریه شان، تلاش صورت گرفته تا اتهامات وارده بر "غنی احمدزی" و سرقت میلیونها دالر از جانب وی و باندش را با یک گزارش مظلومانه تکذیب نماید.

در همین جا بی مناسبت نیست به آدرس تمام گزارشگران و نویسندگان به خصوص آنهایی که روانی قلم شان بیشتر از درک سیاسی و شناخت شان از تکنیک های استخباراتی- امنیتی و پولیس سیاسی است، تذکر داده شود که در چنین مواقعی می باید به علاوه آن که به ناب بودن، تازه بودن و بی رقیب بودن گزارش می اندیشند، به این نکته نیز توجه نمایند که در عقب افشای چنین گزارشی آنها از منبعی چنان نزدیک به حاکمیت که از مجموع ۳۵ میلیون جمعیت افغانستان حتا از معاونان رئیس جمهور، به رئیس جمهور نزدیکتر است، چه نهفته است و همیشه می باید متوجه باشند که ملعبه دست نهاد های استخباراتی قرار نگیرند. چیزی که با تأسف در مورد گزارش ضد و نقیض از فرار "غنی احمدزی" به وضاحت دیده می شود که نشریه به بازی استخباراتی گرفته شده است.

۳- اضطراب و متضاد گوئی از همان آغاز گزارش به مشاهده می رسد. گزارش دهنده بدون این که متوجه باشد، وقتی از تعداد کمی و فقدان افراد پولیس و سایر مربوطات وزارت داخله در شهر حتا قبل از آن که خبر فرار "غنی احمدزی" پخش شود، گزارش می دهد. این تذکر به چه معناست؟ مگر غیر از این است که از جمع نیروهای امنیتی تنها وزارتخانه ای که وزیرش به "غنی احمدزی" و باندش تعلق داشت، از تدارک فرار "غنی احمدزی" نه تنها خودش مطلع بود بلکه زیردستانش را نیز در جریان گذاشته بود؟

با زمانی که گزارش دهنده از واقعیت کنترل هوائی امریکائی ها صحبت به میان می آورد، فقط در یک جای آنها بر فراز رودآمو، از پرواز با ارتفاع کم جهت تأمین امنیت و فرار از رادار یاد می کند، در حالی که در بقیه راه از آنجائی

که اولاً کشف پرواز پائین هلیکوپتر مشکلی برای رادار نمی باشد و در ثانی سلسله کوه های هندوکش و بابا امکان پرواز با ارتفاع کم را نا ممکن می سازد، زیرکانه شیر غلت می زند و نمی گوید که اگر این فرار به هدایت امریکا و در تبانی با آنها صورت نگرفته، چطور توانسته اند این فاصله بیش از ۴۰۰ کیلومتر فضائی بین ارگ کابل و رود آمد را طی نمایند.

از آن گذشته وقتی مظلوم نمائی می نماید و از ۳۰ ساعت گرسنه و تشنه در فضای آزاد داستان سازی می کند، فراموش می کند تا نگوید که میزبانان ناخواسته در همان آغاز برای آنها مواد غذایی تقدیم نموده بودند. یعنی آنها قصد نداشتند که این تیم فراری را گرسنگی و تشنگی بدهند که اگر چنان قصدی می داشتند در اول نیز از آنها پذیرائی نمی کردند. گزارش دهنده می خواهد با مظلوم نمائی و تحمل ۳۰ ساعت فشار، گویا خود را با آنده از هموطنان ما که در طی سالیان طولانی اشغال های متعدد مجبور به ترک خانه و کاشانه شان شده، در عرض راه هزاران مشکل، درد و رنج را تحمل نموده حتا به هزاران تن از آنها در این مسیر جانباخته اند به نحوی خود را شریک نشان دهد.

گزارش دهنده بسیار آگاهانه می خواهد به خواننده تلقین نماید که گویا آنها با جیبهای خالی و بدون بکس های پول از افغانستان بیرون شده اند و تنها چیزی را که در اختیار داشتند و سایل شخصی و اسلحه های آنها بوده است. میزبانان از بیک در حالی که سلاح های شان را مصادره نموده اند، وسایل شخصی شان را به آنها مسترد کرده اند. در اینجا عمادانه از پول سخنی به میان نمی آید، در حالی که عکس روز فرار نه تنها بکس های پول را در دست های محافظان "غنی احمدزی" نشان می دهد، بلکه مقداری پول و شاید هم طلا را که به اساس سنگینی کمر "غنی احمدزی" را حین حرکت خم کرده است، نیز آشکار می سازد.

هموطنان گرامی!

تا جایی که از محتوای این گزارش بر می آید، می شود گفت روزنامه "۸ صبح" که برای آرایش رخسار کریه حاکمیت مستعمراتی به وجود آمده بود، با تهیه این گزارش در دوام کارهای قبلی، باز هم خدمتی به باند "غنی احمدزی" و خودش نموده، در پناه یک گزارش عاطفی خواسته است، جنایات، خیانت ها و سرقت های آن باند را با مظلوم نمائی و "حسین گونه" سر را بر "نیزه بیکسی" تکیه دادن کتمان نماید.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!